



گفت و گو با پوران در خشند، کارگردان «حروفهای‌ها»

من یک کارگردان قصیه‌کنندگام

پوران در خشند، امسال، هم در بخش ویدیو سینمای جشنواره حضور دارد و هم در بخش مسابقه، در بخش ویدیو سینمایی عنوان کارگردان «حروفهای‌ها» و در بخش مسابقه به عنوان قیمه‌کننده «بیست و سه» عبدالرضا کاکاهانی، او عقیده دارد جشنواره فیلم فخر می‌نماید و هنری در کشور ماست؛ حال بافت و خیزهای رسوم این نوع جشنواره‌ها، جایی که مردم منتظر نند تا فیلم‌های یک سال سینما را بینند و کاش هر سال فیلم‌ها بیشتر از سال قبل بشوند.

این یک اتفاق بین‌المللی است که در تمام دنیا انجامش می‌دهند.

• **برویم سراغ «حروفهای‌ها»، این فیلم چقدر شبیه کارهای گذشته شماست؟**

چیزی که در این فیلم هم برای من خیلی اهمیت داشت، یک جور آسیب‌شناسی آدم‌هاست. آدم‌هایی که سعی می‌کنند در یک نقطه‌ای بایستند که از نظر خودشان یک قله است و برای رسیدن به این نقطه خیلی تلاش می‌کنند، خیلی حق‌هاراز بین می‌برند و حقوق خودشان را... اما در نهایت به یک نقطه‌ای می‌رسند که از همه چیز راه دست آورده‌اند، ولی چیزی که از دست داده‌اند، تمام آن عواطف انسانی است که در واقع می‌تواند خیلی به روز و روشن کمک کند و او را به آمش برساند. الان او به آن خواسته مادی رسیده، اما آن آرامشی را که باید ندارد، این آسیب‌همیشه برای من یک جور جذابت داشت که به آدم‌هایی بپردازم که هم‌اکنون می‌دوند به خاطر این که به یک نقطه‌ای برستند - حالا به هر قسمی - خصوصاً در دنیای مجازی، در دنیای آدم‌ها خواسته‌هایشان برستند و جامه عمل بپوشانند، اما به دنیای واقعی که برمی‌گردند، می‌بینند از خیلی چیزها دور مانده‌اند؛ از آن چیزهایی که می‌توانست یک زندگی را گرم نگه دارد، به هر حال این فیلم داستان آدم‌هایی است که در واقع همه چیز دارند، اما در یک نقطه آسیب قرار گرفته‌اند. این نقطه آسیب، نقطه عواطف انسانی است. حالا چه یک نوجوان یا جوان که در این دنیای مجازی زندگی می‌کند و به عوالمی دست پیدا می‌کند برای رسیدن به پول و جاه انسانی که بزرگ‌تر است و... همه آینه‌ها در یک نقطه به هم می‌رسند، آن نقطه، نقطه آسیب آنهاست. آینه‌ها در نقطه آسیب همیگر را پسند می‌کنند. این قصه سرگردانی آدم‌های است. گم‌گشتنی آدم‌های دنیای مجازی.

• **با توجه به این ماجرا الان اگر دوباره تله‌فیلمی به شما پیشنهاد بشود، قبول می‌کنید؟ اصلاً دوباره سراغ فرمت ویدیویی می‌روید؟**

خیلی دلم نمی‌خواهد این کار را بکنم. اصولاً به کار ویدیویی خیلی علاقه‌مند نیستم، ولی به هر حال همه آینه‌هاستگی به فضای کار و فیلم‌نامه دارد که چه چیزی می‌تواند در آن اهمیت داشته باشد.

• **برای این که قبول کنید تهیه‌کننده کاری باشید، چه معیارهایی را در نظر می‌گیرید؟**

یک جور از خود گذشتگی، غرور برای رسیدن

سپیل سلیمانی

• **امسال بخش ویدیو سینمایی جشنواره فجر اضافه شد. نظر شما درباره این اتفاق چیست؟**

فکر می‌کنم جدا شدن این بخش از بخش اصلی جشنواره حرکت خوبی بود که اتفاق افتاد و این که خود شرکت کنندگان این بخش هم به طور مجزا باهم به رقابت می‌پردازند، به حال یک جور کمک می‌کند به فرهنگ تله‌فیلم‌سازی، یعنی کسانی که دنبال ساخت تله‌فیلم می‌أیند، از یک حداقلی برخوردار باشند، به نظرم خیلی از این تله‌فیلم‌ها یک فیلم کوتاه است که به تله‌فیلم تبدیل شده، به همین دلیل هیچ نوع جذابیتی ندارد و هیچ کششی را ایجاد نمی‌کند و خیلی کند و کش دار است. بنابراین مثل این که جدی هم گرفته نمی‌شود، وجود این بخش باعث می‌شود یک رقابتی به وجود بیاید برای این کسانی که می‌خواهند تله‌فیلم سازند، حداقل استاندارد را در نظر بگیرند، چرا که قرار است در یک جایی هم داوری بشنوند و این خودش کمک است به ارتقای ساخت تله‌فیلم.

• **البته در این بخش فقط تله‌فیلم‌ها حضور ندارند و فیلم‌هایی هم هستند که به صورت ویدیو ساخته شده‌اند برای سینما، کنار هم قرار گرفتن اینها مشکلی به وجود نمی‌آورد؟**

شما به هر حال در اینجا داریده فیلم داستانی بلند توجه می‌کنید. این جشنواره فیلم‌های سینمایی است و طبعاً می‌توان در دو قالب فیلم یا ویدیو به آن نگاه شود. این که گفتم تله‌فیلم، جون که باید به هر حال یک فیلم داستانی بلند مورد توجه قرار گیرد. به این شکل خوب طبعاً ممکن است خیلی از فیلم‌ها به صورت ویدیو HD ساخته شوند، ولی بعد تبدیل شوند به ۳.۵ بعضی از این فیلم‌ها ممکن است حتی طرقیت اکران را داشته باشند. اما طبیعتاً اگر شما مجوز ساخت ویدیویی گرفته باشید، در همین بخش باید مورد قضاوت قرار بگیرید. خیلی وقت‌ها ممکن است شما مجوز ساخت ۳.۵ بگیرید و بعد فیلم‌ساز به هر دلیلی ترجیح بدهد که فیلمش را با دوربین HD بگیرد و بعد تبدیل به ۳.۵ بگیرد.

یادداشت

تخیلات دلچسب ما

حیف که گاهی امکانات موجود اجازه نمی‌دهد که به آن جه که انتظار داریم و در تصور خود می‌پرورانیم، دست پاییم. با خانم



در خشنده نشستیم و ایده‌های پسیاری را برای طراحی لوکشن پرسوناز اصلی فیلم «حروفهایها» در سر پروراندیم. استفاده از امکانات دیجیتالی، یک زندگی آنرا مرن، فضای بزرگ و روشن، شاید حتی یک پن‌هاآوس با چنین و چنان مبلمان و کرکرهای خودکار بالا و پایین رونده و چندین ریموت کنترل جهت روشن و خاموش کردن نورها و به راه انداختن دستگاه‌های الکتریکی و برقی و ... خلاصه کسی جلوه‌دار نبود، تا کجاها که پیش رفتیم. جهه‌ها که در تخیل خود نباشیم... و فکر کردیم که فقط یک قدم تا اجرای آن، راه داریم ... اما، اولین مشکل از یافتن لوکشن موردنظر شروع شد و بعد پیاده کردن امکانات دیجیتالی که در هر لوکیشنی امکان پذیر نبود و بعد مبلمان و اکسوار آن و مشکلات دیگر و مشکلات دیگر ... مگر دفعه اول بود، همیشه همین گونه است. برای تقریباً همه فیلم‌ها ... می‌گوییم سیستم سینمایی ماجه تلویزیونی چه سینمایی، شده است دقیقه نودی ... هر کار هم می‌کنیم که شده فقط چند ثانیه جلو بیفتیم، کمتر موفق می‌شویم... و مهم‌تر از همه هزینه، هزینه و هزینه ... پس آن جه که شداین است که می‌بینید... آیا هیچ جای پایی از تخیلات مادر آن دیده می‌شود؟! من هنوز فیلم راندیده‌ام، خانم در خشنده ظاهرآ راضی هستند: من بی‌آن که فیلم را دیده باشم، فکر می‌کنم فیلم خوبی از آب درآمده. اما هنوز دلتگ آن تخیلاتی هست که چند روزی با آن خوش بودم، اما کم کم رنگ یاخت و به چیز دیگری تبدیل شد.

ولی آیا بالآخره می‌شود یک روز به آن جه که در تخیل خود می‌پرورانم جامه عمل بیوشانی ...؟ شاید، چرا که نه ... باید همیشه امیدوار بود ... فقط اگر عمرم کفاف دهد ...



مخصوصاً در «بچه‌های ابدهی». در «شمعی در باد» جوان‌های فیلم را دوست داشتند که آنها هم به نوعی در جامعه باخناوه‌دان دیده شده بودند و فیلم را زبان حال خودشان می‌دانستند. در دل‌های آنها برای من خیلی مهم بود. این که تو بخواهی بانیت تغییر نگش، فیلم سازی، حس خوبی به تو می‌دهد که غیرقابل وصف است. این که به ادم‌ها اجازه بدheim از همان بچه‌های که مابه بیرون نگاه می‌کنیم، آنها هم نگاه کنند و بیشان نزنیم. این حس خیلی خوبی است.

* شما امروز در کنار فیلم‌سازان جوانی که خیلی از آنها تا دیروز مخاطب‌بیانی بوده‌اند قرار گرفته‌اید و در این بخش با یک سنج مورد قضایت قرار می‌گیرید. این اتفاق چه حسی برای شما دارد؟ به نظرم تسل جدید فیلم‌سازان ماسل خیلی هوشمندی هستند و می‌دانند دارند چه می‌کنند و در این داشتم، در تمام سانس‌هایی که فیلم نمایش داده‌می‌شد حضور پیدامی کردم. چون برايم برای گفتن دارند و اراده این میدان شده‌اند. طبیعتاً از این موضوع خوشحالم که در چنین شرایطی در کنار هم هستیم، این فرست خیلی خوبی است. فکر می‌کنم این طوری می‌شود معنا پیدا کرد. این طوری ادم‌ها معنای پیدامی کنند که یک جایی ادم‌هایی از تسل‌های مختلف حرف هم‌دیگر را پفهمند و هم‌دیگر را درگ کنند. هیچ کدام قصد پس زدن دیگری راندایم، بلکه همه دارند تلاش می‌کنند بر اساس شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند حرف بزنند. این که امسال ما داریم تلاش می‌کنیم تا خودمان را به تسل جدید پرسانیم، چون این تسل دارد، اما در سرعت رو به جلو می‌رود نسل قدیم هم برای این که بماند، باید تلاش کند تا خودش را به اینها بسند. من از این اتفاق خیلی خوشحالم.

دوست دارم فیلمم دیده شود و مورد توجه قرار گیرد، ولی واقعاً سیمرغ به لحاظ دیده شدن را بسازد. طبیعتاً من هم تلاش می‌کنم تمام و توجیهی که به کار داشته‌ای و ... برایت اهمیت دارد، ولی هیچ وقت برای سیمرغ کار نکردم. ترجیح داده‌ام که برای مردم کار کنم و اگر مردم کارم را دوست داشته باشند، هر کدام از آنها برای من یک سیمرغ هستند.

* خیلی از کارگردان‌ها می‌گویند گیشه برای ایشان اهمیتی ندارد و فقط به فکر فیلم خوب ساختن هستند و در فیلم‌سازی گیشه برای مردم شود که بتواند به دغدغه‌هاش بپردازد.

* چون خودتان کارگردان هستید، وقتی با یک کارگردان، به همین خاطر برایم خیلی اهمیت دارد که فضای آرامش برای فیلم‌ساز فراهم شود که بتواند به هیچ عنوان هر فیلم‌نامه‌ای را که به بدنه‌نده، نظرم را در موردش می‌دهم، ممکن است به کارگردان نظر اتم را بگویم، اما این به آن معنی نیست که با بد نظرات اعمال بشود. چون به نظرم کارگردان خالق اثر است و باید یک فضای آزاد ذهنی داشته باشد که بتواند در آن حرکت کند و در این فضای سیال ذهن خودش آن چیزی را که می‌خواهد بپیدا کند. هیچ وقت به خود این اجازه رانمی‌دهم که هیچ نوع اعمال نظری در کار کارگردان داشته باشد.

* هر فیلم مشخصه‌ای دارد که بیشتر از باقی چیزهای دهن سازنده‌اش می‌ماند. این اتفاق برای شما در مورد «حروفهایها» چه بود؟

مهم‌ترین مشخصه این فیلم همان طور که در بالا هم گفتیم، در گیری های روحی و روانی یک ادم در دنیای مجازی است و این که می‌خواهد به هر قیمتی در قله هر چیز باشد و حالابه جایی می‌رسد که فهم‌دهی چیزی را در وجودش ندارد؛ چیزی که هسته اصلی زندگی یک انسان را تشکیل می‌دهد. انسان باروابطش زندگی می‌کند، با پیچیدگی‌ها و برخوردهایش، با حضوری که در ارتباط‌های جمعی اش دارد و ... این زمانی معنا پیدامی کند که ادم‌های او را دوست داشته باشد. همه ادم‌هایه این نیاز دارند که به هر حال دیده بشوند. نیازمند این که به آنها توجه شود. وقتی احساس می‌کند که این توجههای شود، هیچ کدام اینهاره اینداد چون در طول زندگی اش به فکر چیزهای دیگری بوده و از یک نقطه دیگری غافل شده، حالا سعی می‌کند خودش را درمان کند.

* بردن جایزه قدر برایتان اهمیت دارد.

شناختن

حروفهایها

کارگردان: پوران درخشندۀ کنندۀ محمود رضائی فیلم‌نامه‌نویس: محسن قادری صدابردار: هادی افشار صداغذار: محمد حقیقی طراح صحنه و لباس: زیلام‌مهرجویی چهره پرداز: مهین توبدی جلوه‌های ویژه: داود رسولیان فیلم‌بیوگرافی: رضا جلالی تدوینگر: بهرام دهقانی موسیقی: ناصر چشم اذر مدیر تولید: ناصر بزشکی بازیگران: داریوش فرهنگ، مجید جوانی، حنانه شهبازیان، محسن اصلانی، عزت‌الله مهر اوران، مسعود چوبین، گیتی ساعتچی خلاصه داستان:

اذین که سال هاست از همسرش جدا شده، رئیس یک شرکت هرمی است و از این طریق، سود کلانی را نصیب خود می‌کند. دکتر روان‌شناس او، برای درمان تیک‌های عصبی اذین، به او توصیه می‌کند اجازه دهد زمینه آشنازی و دیدار اذین و دخترش - که اذین به اشتباه تصور می‌کرده ۱۷ سال قبل، هنگام جدایی از همسرش سقط شده - را فراهم کند. ورود این دختر به زندگی اذین، حوادثی را به وجود می‌آورد ...

